

بررسی تطبیقی مقامات حضرت محمد (ص) با مقامات حضرت عیسی (ع) از دیدگاه قرآن و حدیث

عبدالامیر سخراوی^۱، فرج بهزاد وکیل آباد^۲

^۱دانشجوی مقطع دکتری علوم قرآن و حدیث

^۲استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد اردبیل

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۲/۰۸

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۱/۰۴

A comparative study of the authorities of Prophet Muhammad and the authorities of Prophet Jesus from the perspective of the Qur'an and Hadith

Abdul Amir Sahrawi¹, Faraj Behzad Vakil Abad²

¹ PhD student of Quran and Hadith Science

²Assistant Professor of Islamic Azad University of Ardabil Branch

Received: (24/02/2022)

Accepted: (29/04/2022)

Abstract:

In the research conducted on the comparative situation of the life of Jesus and the Holy Prophet from the perspective of the Qur'an and the Ahl al-Bayt, peace be upon him, based on the verses ۱۳۶، ۱۶۴، ۲۵۳ and ۲۸۵ of the blessed Surah Baqarah and the ۸۴th blessed Surah of Ale Imran and the ۵۵th blessed Surah of Isra' Divine prophets in the eyes of God, blessed and exalted, each has a different dignity and dignity, but people have no right to discriminate and discriminate against those chosen ones, because all divinely chosen ones have diverse missions and common goals, but they have different divine virtues. Are. In this research, the comparative study of the authorities of Prophet Muhammad with the authorities of Prophet Jesus from the point of view of the Qur'an and Hadith is done qualitatively.

Keywords: comparative study, authorities, Prophet Muhammad, Prophet Jesus, Quran, Hadith

چکیده

در بررسی تحقیقاتی بعمل آمده از وضعیت تطبیقی زندگی حضرت عیسی با حضرت رسول اکرم (ص) از دیدگاه قرآن و اهل بیت علیهم السلام مستندا به آیات ۱۳۶ و ۱۶۴ و ۲۵۳ و ۲۸۵ سوره مبارکه بقره و ۸۴ سوره مبارکه آل عمران ۵۵ سوره مبارکه اسراء می‌توان دریافت نمود انبیاء الهی در نزد خداوند تبارک و تعالی هر کدام دارایشان و منزلتی متفاوت هستند اما آحاد مردم حق ندارند برای آن برگزیدگان تبعیض و تفاوتی قلمداد نمایند زیرا تمام برگزیدگان الهی دارای مأموریت‌های متنوع و اهداف مشترکی هستند اما در بر خورداری از فضیلت‌های الهی متفاوت می‌باشند. در این پژوهش به صرت کیفی به بررسی تطبیقی مقامات حضرت محمد (ص) با مقامات حضرت عیسی (ع) از دیدگاه قرآن و حدیث پرداخته می‌شود.

واژه های کلیدی: بررسی تطبیقی، مقامات، حضرت محمد (ص)، حضرت عیسی (ع)، قرآن، حدیث

مقدمه

مقامات انبیاء الهی از دیر باز مورد توجه دانشمندان اسلامی و سایر ادیان الهی بوده و همواره با تطبیق آن‌ها افضلیت پیامبران مورد بررسی قرار می‌گرفت. اما متأسفانه حرکت‌های اخیر بعضی از دشمنان مسیحیت در لباس کشیش مرا به سوی افشاء مقامات دو پیامبر اولوالعزم از هر دو دیدگاه قرآن و حدیث، با استفاده از تحقیق کتابخانه‌ای و سایت‌های مجازی سوق داد تا حقانیت و مظلومیت خاص نبی مکرم اسلام در بین سایر ادیان الهی بالاخص پیروان حضرت مسیح (ع) و کسانی که با نفوذ روح اسلام در کالبد ادیان الهی مخالفت می‌نمایند بحث تطبیقی بعمل آورم. بنحوی که فرموده حضرت خاتم الانبیاء: "خلقنی الله من صفوه نوره" و فرموده قرآن مبنی بر خلقت حضرت عیسی از روح الله مثل خلقت حضرت آدم است بحث گردیده تا فضیلت‌های هر دو برای عموم الناس نمایان شود و در نهایت کتب قرآن و انجیل مورد مقایسه و مهیمن بودن قرآن بر سایر کتب سماوی مشخص شده است. مهربان‌ترین مهربانان، انبیاء خود را برای تربیت و تزکیه و تعلیم انسان‌ها مبعوث نموده و در حقیقت مأموریت آن‌ها به تشابه حفار چاه آب است که مکلف می‌باشد تمام خار و خاشاک و سنگ‌ها را از زمین بردارد تا به آب زلال حیات بخش بشریت دسترسی نماید و این بدان معناست که روح آدمی بر اساس فطرت الهی پاک است اما بر اثر تمایلات نفسانی در اقسام شهوات مادی مدفون گردیده است.

شایان ذکر است وجود آدمی دارای دو عنصر مادی و معنوی، حماء مسنون و روح خداوندی است و بر اساس حکمت الهی این دو عامل متضاد در یک کالبد جای گرفته‌اند. و تفکیک این دو منوط به غلبه یکی بر دیگری است و این امر استحصال نمی‌شود مگر از طریق تزکیه و تعلیم و این دو فقط و فقط با خواسته و مشیت رب الارباب صورت می‌گیرد.

به پیروی از قوانین رشد موجودات زنده می‌توان گفت: هر عنصری که بیش از دیگری نمو نماید جان آدمی به آن متمایل تر خواهد بود و این امر نشانه بارز نیاز بشر به راهنما و ارشادکننده تلقی می‌گردد.

لذا نتیجه می‌گیریم، انبیاء الهی جهت تربیت و پرورش روح انسانی و رساندن آن به مقام خلیفه الهی گسیل شده‌اند.

برای رسیدن به مقام خلیفه الهی آدمی نیازمند اتخاذ صفات آن یکتای بی‌همتا در اخلاق و سجایای خود در معاشرت خویش با دیگر هموعان است تا بتواند به برخی از مقامات آن رب الارباب دسترسی نماید.

در این راستا به انبیاء الهی و اهل بیت نبی اکرم (ص) بر اساس مشیت آن خالق هستی متحمل رنج‌ها و مصائب از پیش تعیین شده گردیدند درحالی که از وقوع این‌گونه حوادث بی‌اطلاع بودند. زیرا درون خود را از هرگونه پلیدی و کراهت ظاهری و باطنی دورنگه داشته و برای رسیدن به مقصود الهی خود از دستورات آن علی‌اعلی لحظه‌ای غفلت یا درنگ و ترک اولی نکردند و این سه عامل سبب قرب تمام انبیاء الهی و حصول درجات متفاوت آنها گردیده است. که در این نوشتار نگارنده بر اساس دیدگاه اهل بیت نسبت به تطبیق مقامات حضرت عیسی بن مریم با مقامات حضرت محمد مصطفی اقدام نموده و قضاوت را برعهده خوانندگان می‌گذارد.

حضرت عیسی (ع)

۱. ادوار نبوت

دوره پنجم نبوت از حضرت عیسی مسیح، آغاز می‌شود، معنای اسم عیسی در زبان عبری به معنی نجات دهنده است. نام مادرش مریم (ع) به معنی عابده و تاریخ ولادت او را ۵۵۸۵ سال بعد از هبوط آدم و مدت زندگانی او در این دنیای فانی را ۳۳ سال اعلام کرده‌اند. حضرت امام صادق می‌فرماید: آقا و سرور رسولان پنج نفر هستند که آنان را اولعزم انبیاء میدانیم و آسیاب نبوت و رسالت گرد آن‌ها می‌چرخد

۲. القاب

لقب حضرت عیسی بن مریم روح الله و مسیح است. و همچنین لقب مادرش صدیقه می‌باشد. او به امر خدا بدون ممارست هیچ مردی از مادری بنام مریم که در کتاب آسمانی مسلمانان به عنوان صدیقه مشخص است و بنا بر گفتار وحیانی خلقت او همچون خلقت آدم بود و در قرآن به کلمه الله معروف است در کنار بیت المقدس زیر یک درخت خرما می‌خشکید پای به عرصه هستی گذاشت و ضمن اعلام بندگی خدای بزرگ مبشر به اقامه نماز و تزکیه نفس به تمام خلایق بود.

۳. بعثت

محل بعثت ایشان در فلسطین در جایی که مردم آن همه تسلیم شده حضرت موسی بوده‌اند و دین آن‌ها یهودیت بوده گزارش شده است. بنا بر این ولادت حضرت مسیح در میان موحدان بود و همگی سکنه آن سرزمین، تابع هدایت فرزندان یعقوب بوده‌اند. قرآن کریم در بحث رسالت حضرت مسیح می‌فرماید: "مسیح پسر مریم جز پیامبری نبود که پیش از او [نیز] پیامبرانی گذشتند و مادرش زن بسیار درستکاری بود و هر دو [مانند انسان‌های دیگر] غذا می‌خوردند. بنگر چگونه آیات را برای آنها توضیح می‌دهیم، آن گاه ببین چگونه [از

حقیقت [منحرف می‌شوند] ..

۴. مختصری از زندگینامه روح الله

حضرت عیسی (ع) از پیامبران اولوالعزم می‌باشد که نام و سرگذشتش در قرآن ذکر شده است خداوند متعال با قدرت لا یزال خود وی را بدون پدر در رحم مادرش مریم، که در زهد و پاکدامنی شهرت بسیار داشت، قرار داد و حضرت عیسی و مادرش را به عنوان یک آیه الهی قلمداد نموده است. او پس از تولد در گهواره لب به سخن گشود و فرمود: "من بنده خدا هستم و خداوند به من کتاب داده و مرا به پیامبری برگزیده است و مرا به اقامه عبادت و ایتاء زکات دستور داده است." و به گفته امام باقر همه انبیاء به آمدن حضرت محمد مژده می‌دادند تا اینکه حضرت عیسی مسیح همانطوریکه در سوره مبارکه صف به آن اشاره شده است، این بشارت را داد.

حضرت عیسی با پشتکار دین الهی را تبلیغ می‌نمود او بر روی آب راه می‌رفت و به هر شهر و دیاری که می‌رسید، نا شنوایان و نابینایان و مبتلایان به جزام و پیسی را شفا می‌داد.

ولی جمعی از یهودیان متعصب، با وی سخت دشمنی کردند و تصمیم گرفتند. با کمک پادشاه وقت او را به صلیب بکشند و معدوم سازند غافل از آن که حضرت عیسی (ع) به امر خداوند به آسمانها عروج نمود و شخص دیگری را که به قدرت خداوند شبیه آن حضرت بود به جای ایشان به صلیب کشیدند.

۵. سخن قرآن و انجیل

سخن حضرت مسیح (ع) که من کتاب آسمانی پیامبر گذشته را تصدیق می‌کنم و آمدن پیامبری را در آینده بشارت می‌دهم، نشان می‌دهد که رسول اکرم (ص) از حضرت عیسی (ع) افضل و قرآن کریم از انجیل بالاتر است به دلیل اینکه ره‌آورد پیامبر اسلام، قرآن است، بیش از ره‌آورد مسیح (ع) است؛ زیرا تنها در این صورت معنای بشارت تحقق می‌یابد.

۶. مژده

اول: بشارت‌های انبیای گذشته

یکی دیگر از شاخصه‌های برتری پیامبر اسلام (ص) این است که انبیای گذشته بشارت به آمدن ایشان را داده‌اند؛ در قرآن کریم از زبان حضرت عیسی (ع) آمده است:

“وَمُبَشِّرًا بِرَسُولٍ يَأْتِيهِ مِنَ بَعْدِي اسْمُهُ أَحْمَدٌ”

و نوید دهنده به پیامبری هستم که پس از من خواهد آمد و نام او احمد است.

بشارت در موردی است که پیامبر بعدی، مطلبی نو و تازه برای امتش بیاورد. بشارت را می‌توان بازگویی خبری که سرور و شادی در بردارد، معنا کرد. بدیهی است که تنها در صورتی شنونده از شنیدن خبری مسرور می‌شود که به حقیقت یا واقعیت تازه‌ای که فاقد آن بوده یا مثل و مانند نداشته، دست پیدا کند. اگر پیامبر خاتم در سطح انبیای گذشته یا در سطح رسالت عیسی مسیح سخن گفته باشد، نخست این که دیگر نیازی به آمدن پیامبری تازه نبود، دوم این که مجالی برای بشارت نداشت.

سخن حضرت مسیح (ع) که من کتاب آسمانی پیامبر گذشته را تصدیق می‌کنم و آمدن پیامبری را در آینده بشارت می‌دهم، نشان می‌دهد که رسول اکرم (ص) از حضرت عیسی (ع) افضل و قرآن کریم از انجیل بالاتر و ره‌آورد پیامبر اسلام، بیش از ره‌آورد مسیح (ع) است؛ زیرا تنها در این صورت معنای بشارت تحقق می‌یابد. بر پایه بعضی از اخبار، پیغمبران الهی همواره به آمدن حضرت محمد (ص) مژده می‌دادند. امام باقر (ع) فرمود: "پیغمبران همواره به آمدن محمد (ص) مژده می‌دادند، تا آن که خداوند حضرت مسیح، عیسی بن مریم (ع) را مبعوث کرد.

دوم: براساس روایات

بر پایه بعضی از اخبار، پیغمبران الهی همواره به آمدن حضرت محمد (ص) مژده می‌دادند. همانطوری که پس از ظهور اسلام تمام ائمه اطهار تا به امروز بشارت دهنده منجی عالم بشریت به نام مهدی موعود هستند.

امام باقر (ع) فرمود حضرت عیسی مسیح بشارت دهنده رسالت حضرت نبی اکرم (ص) بوده است.

“پیغمبران همواره به آمدن محمد (ص) مژده می‌دادند”.

حضرت عیسی در طول حیات خود مورد توجه خدا بوده و وحی بر وی نازل می‌شد و کاتبان وحی بنا به سلیقه خود آنرا می‌نوشتند.

سوم: محل دفن

حضرت عیسی به آسمان عروج نمود. مریم دختر عمران بن ماتان بودو ماتان به ۲۷ پدر نیز به یهود بن یعقوب بن اسحاق بن ابراهیم

عبدالامیر سخراوی، فرج بهزاد و کیل آباد نبرسی تطبیقی مقامات حضرت محمد (ص) با مقامات حضرت عیسی (ع) از دیدگاه قرآن و حدیث

خلیل ... می‌رسد. عمران پدر حضرت موسی با عمران بن ماثان پدر حضرت مریم حدود هیجده قرن با هم فاصله و اختلاف زمانی دارند. حضرت عیسی با مردم بصورت مدارا رفتار می‌کرد و فقط مردم را جذب می‌کرد. حضرت روح الله در طول حیات خود موفق به تشکیل دولت نگردید و در این خصوص گزارشی اعلام نشده است.

حضرت محمد (ص)

۱. ادوار نبوت

حضرت ختمی مرتبت دوره ششم انبیاء را به عهده داشت و بنظر می‌رسد همانطوری که خدای تبارک و تعالی دوره خلقت زمین و آسمان‌ها و آنچه درون و برون آن‌ها در شش دوره آفریده است تکمیل ادیان نیز در شش دوره توسط خدای حکیم تدارک دیده شده بود که آخرین دوره تکمیلی آن پس از بعثت خاتم الرسل به پایان رسیده و در حجه الوداع و در روز غدیر با معرفی جانشین خود آخرین دین آسمانی را به اکمال رسانیده است حضرت محمد (ص) طی حدیثی اعلام نموده است که خداوند مرا از نور خودش آفریده است.

۲. القاب

اسماء حضرت محمد صلی الله علیه و آله دو قسم است: قسمی که به حدیث ثابت شده عبارتند از: محمد، احمد، ماحی، حاشر و عاقب. و قسمی دیگر در قرآن واقع است؛ تعداد آنها در سور مختلف ذکر شده است.

یکی از نسب شناسان بزرگ عرب بنام کلبی می‌گوید: روزی در خدمت امام صادق نشسته بودیم ناگهان حضرت امام صادق از من پرسید چند نام از نام‌های رسول اکرم در قرآن ذکر شده است؟ من در جواب صادق آل محمد پاسخ دادم: دو یا سه نام.

حضرت امام صادق علیه السلام فرمود: ده نام از نام‌های پیامبر اکرم در قرآن آمده است و عبارتند از محمد، احمد، عبدالله، طه، یس، نون، مزمل، مدثر، رسول و ذکر.

سپس امام صادق برای هر اسمی آیه‌ای تلاوت کرد و اضافه نمود ذکر یکی از نام‌های حضرت ختمی مرتبت است و ما اهل بیت اهل ذکر هستیم.

حضرت امام صادق به آن نسب شناس می‌فرماید هر چه می‌خواهی از ما سؤال کن. کلبی می‌گوید بخدا سوگند از ابهت صادق آل محمد (ص) با آنکه حافظ قرآن بودم تمام قرآن را فراموش کردم و یک حرف به یاد نداشتم تا از آن حضرت سؤال کنم. برخی از دانشمندان اسلامی تعداد نام‌های حضرت ختمی مرتبت موجود در قرآن را چهارصد نام و لقب برای آن رسول اکرم (ص) یافته‌اند و آنها را بر شمرده‌اند.

۳: بعثت

امام صادق (ع) فرمود: "در طول تاریخ بشریت کم‌تر انسانی وجود دارد که تاریخ جهان تمام خصوصیات معیشت او را همانند پیامبر اسلام به طور واضح و روشن بیان و ثبت و ترسیم کرده باشد."

مثلاً تاریخ تولد و چگونگی امرار معیشت وی و تعداد زوجات و تعداد اولاد و چه کسانی در چه روزی متولد و در چه روزی وفات یافته و از همه زیباتر تعداد میهمان‌ها و ساعت ورود و خروج آنها و تعداد اتهامات وارده بر آن ساحت ملکوتی را ثبت و ضبط و ذکر کرده باشد. این بدان معناست که خداوند متعال در قرآن کریم به گفتار خود بر اساس وعده‌هایش که فرموده است کتابی که خود فرستادیم نگهداری و حفظ آن بر عهده ماست جامه عمل پوشانیده است. زیرا شخص شاخص رسول اکرم کلمه اصلی آن کتاب آسمانی است و بدون هیچ تغییری تا قیامت باقی خواهد ماند. انشاء الله تعالی.

از طرف دیگر قرآن کتاب آسمانی ما با زیباترین عبارات و کامل‌ترین بیانات، و منزه‌ترین جملات آن حضرت را توصیف نموده و با عالی‌ترین صفات از آن اسوه بشریت تمجید و تحمید و تکریم نموده است.

۴. زندگینامه

حضرت امام صادق علیه السلام امام ششم شیعیان معروف به صادق آل محمد در یک روایتی موثق واقعه هنگام میلاد حضرت رسول خدا را بیان می‌کند:

"در هنگام ولادت حضرت رسول اکرم (ص) فاطمه بنت اسد (مادر حضرت علی) نزد آمنه (مادر گرامی پیامبر) بود. یکی از آن دویزه دیگری گفت: آیا می‌بینی آنچه را من می‌بینم؟

دیگری گفت: چه می‌بینی؟

او گفت: این نور ساطع که ما بین مشرق و مغرب را فرا گرفته است درک می‌کنید!
در حین گفتگوی این دو زن ابوطالب عموی حضرت نبی اکرم که درود خدا بر او باد نزد آنان وارد شد و مکالمه فی بین آن دو را شنید و به آن‌ها گفت: چرا در شگفتید؟ فاطمه بنت اسد ماجرای روئیت نور ساطع فی ما بین مشرق و مغرب را برای عم رسول توضیح داد.
بوطالب عم رسول اکرم به فاطمه بنت اسد فرمود: "می‌خواهی به شما بشارتی بدهم؟"
فاطمه بنت اسد پاسخ داد: بلی.

ابو طالب گفت: از تو فرزندی به به دنیا خواهد آمد که وصی این نوزاد خواهد بود.
حضرت محمد دنیا آمد و در سن چهل سالگی به مقام نبوت مبعوث گردید و ابو تراب جوان بالغ و رشیدی بود که مورخان سن او را، جوان مکلف ثبت کرده‌اند و آنچه ابو طالب به فاطمه بنت اسد گفته بود تحقق عینی گرفت و همچنین آن نور ساطع بین مشرق و مغرب درخشندگی نور چهره رب الارباب بوده است همانطوریکه حضرت نبی اکرم در حدیثی فرموده خلقنی من صفة نوره...
حضرت رسول اکرم در سن بیست و پنج سالگی با حضرت خدیجه بانوی چهل ساله ثروتمند قریشی ازدواج نمود. به گفته مشهور ثمره ازدواج رسول خدا و خدیجه، شش فرزند بود. که بترتیب زیر نقش زندگی در دنیای فانی را ایفاء داشتند.
هاشم؛

۱. عبدالله، به این دو "طاهر" و "طیب" می‌گفتند...؛
۲. رقیه؛
۳. زینب؛
۴. ام کلثوم
۵. فاطمه.

رقیه بزرگترین دختران بود و زینب، ام کلثوم و فاطمه به ترتیب پس از رقیه قرار داشتند. پسران خدیجه پیش از بعثت پیامبر صلی الله علیه و آله، بدرود زندگی گفتند. ولی دخترانش، نبوت پیامبر صلی الله علیه و آله را درک کردند که حضرت فاطمه مانند مادری دلسوز تا غروب عمر مقام رسالت همراه او بود و حضرت نبی اکرم لقب فاطمه را ام اییها نهاد.

۵. سخن قرآن و انجیل

خداوند متعال در باب اخلاق نیکو و حسن خلق رسول اکرم می‌فرماید: آنک لعلی خلق عظیم. و در مناسبت دیگری تبعیض اخلاقی وی را به شیوه‌ای بسیار جالب برای تمام جهانیان روشن می‌کند و با ذکر نام مبارک رسول اکرم و تشخیص آن مشخصه بشریت می‌فرماید:
"محمد رسول الله و الذین معه اشداء علی الکفار رحما بینهم".

مورخان و دوستان و دشمنان دین در جهت تفحص و شاید جهت دریافت روزه‌ای از نامالیمات در ابعاد گوناگون زندگی رسول اکرم نفوذ کرده و همه آنها برای بشریت ترسیم کرده‌اند.

ائمه اطهار و پیشوایان جهان تشیع (علیهم السلام) با دیده‌ای عمیق و دقیق چهره آن آسوه خلقت را برای خلق خدا به نمایش در آورده‌اند و به معرفی زندگی و نحوه مبارزات و آموزه‌های آن حضرت پرداخته‌اند.

۶. مزده

در عرف جهانی امروز (سیاست) را به معنای نیرنگ و دروغ برای کسب قدرت و سلطه بر مردم تعریف می‌کنند، اما (سیاست) در لغت به معنای (اداره کردن امور مملکت و حکومت کردن است). خداوند متعال پیامبر خاتم (ص) بر اساس حکمت خود به حضرت رسول الله دستور داده است که حضرت علی ابن ابی طالب را به جانشینی خود در حجه الوداع منصوب کند و آن حضرت بدون تأمل و با درنگ در منطقه‌ای به نام غدیر خم در حدود بیش از یکصد و بیست هزار کاتب جانشین بر حق خود را معرفی کرد و با زبان شیوا و مملو از عشق الهی اعلام کرد و در این خصوص قرآن و تاریخ شهادت دادند.

جانشینان بر حق او ائمه معصومین (علیهم السلام) را از بهترین سیاستمداران شمرده است در زیارت جامعه، در وصف ائمه (علیهم السلام) که پرورش یافتگان مکتب نبوت هستند آمده است: (وساسه العباد)

یکی از شاخصه‌های برتری پیامبر اکرم (ص)، بر انبیای دیگر، ویژگی خاتمیت آن حضرت است. خدای سبحان در مورد خاتمیت رسول اکرم (ص) می‌فرماید:

عبدالامیر سخراوی، فرج بهزاد و کیل آباد بررسی تطبیقی مقامات حضرت محمد (ص) با مقامات حضرت عیسی (ع) از دیدگاه قرآن و حدیث

محمد پدر هیچ‌یک از مردان شما نیست؛ اما فرستاده خدا و خاتم (واپسین) پیامبران است.

“خاتم” یعنی مَهر که در پایان نوشته‌ها و نامه‌ها قرار می‌گیرد. نویسنده پس از آن که آنچه را لازم بود، نوشت و تمام مقاصد خود را بیان کرد، پایان نوشته خود را مَهر کرده، ختم آن را اعلام می‌کند. انبیا کتاب و کلام حق‌اند، چنان که درباره حضرت عیسی (ع) آمده است: “يَبَشِّرُكُمْ بِكَلِمَةٍ مِنْهُ اسْمُهُ الْمَسِيحُ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ” خداوند تو را به کلمه‌ای از خویش نوید می‌دهد که نامش مسیح، پسر مریم است. خداوند که از طریق فرستادن پیامبران و وحی با انسان‌ها سخن می‌گوید، پس از پایان کلمات و گفتارش، سلسله نبوت و صحیفه رسالت پیامبران را با فرستادن پیامبر اکرم (ص) مَهر کرده است. مقصود از خاتمیت، تنها تأخر و خاتمیت زمانی نیست، بلکه خاتمیت رتبی در قوس صعود نیز هست. بنابراین، از آیه مذکور چنین استفاده می‌شود که پیامبر اکرم (ص) واجد همه مزایا، فضیلت‌ها و خصوصیات پیامبران گذشته است و تا روز قیامت احدی بهتر و کامل‌تر از او نخواهد آمد؛ زیرا اگر کامل‌تر از او یافت می‌شد، حتماً او به مقام خاتمیت می‌رسید؛ نه رسول اکرم (ص)

۷. محل دفن

یکی دیگر از امتیازات پیامبر اکرم (ص) این است که خداوند در آیاتی از قرآن علاقه خاص خود و فرشتگان را نسبت به پیامبر (ص) بیان می‌کند و می‌فرماید:

“إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا”

خداوند و فرشتگانش بر پیامبر رحمت و درود می‌فرستند ای کسانی که ایمان آورده‌اید بر او درود بفرستید و سلام بگوئید و در برابر فرمان او تسلیم باشید.

مقام پیامبر (ص) آن قدر والا است که آفریدگار عالم هستی و تمام فرشتگانی که تدبیر این جهان به فرمان حق بر عهده آنها گذارده شده است بر او درود می‌فرستند، بر مؤمنان نیز لازم است با این پیام جهان هستی هماهنگ شوند.

به این نکته باید توجه کرد که تعبیر به “یصلون” به صورت فعل مضارع دلیل بر استمرار است؛ یعنی پیوسته خداوند و فرشتگان رحمت و درود بر او می‌فرستند، رحمت و درودی پیوسته و جاودانی

بررسی تطبیقی مقامات حضرت رسول اکرم (ص) با مقامات حضرت عیسی (ع)

۱: نظریه ائمه مسلمین

اولین مقام: طبق گفته امام صادق در هنگام ولادت حضرت محمد نوری بین مشرق و مغرب ساطع شد در صورتیکه برای انبیا دیگر چنین نبوده است.

دومین مقام: در هنگام تولد پدرش دار فانی را بدرود گفته بود و در سن شش ماهگی مادرش را از دست داد و در خانه عمویش بزرگ شد در صورتیکه برای سایر انبیا (ع) چنین گزارشی نشده است.

سومین مقام: رسالت حضرت محمد در توره و انجیل ذکر شده است. و تمام انبیا منتظر آمدن وی بودند

چهارمین مقام: در هنگام معراج به مکانی رسید که هیچ بشری در آنجا پا نگذاشته بود در صورتیکه بقیه انبیا به اینشان و مقام و منزلت نرسیده‌اند.

پنجمین مقام: دو صفت اشداء علی الکفا و رحماء بینهم در وجودش حضرت نبی اکرم جمع است در صورتیکه در بقیه انبیا وجود ندارد. ششمین مقام: تمام پیامبران جهت نجات از مصائب خدا را به محمد و آل محمد سوگند میدادند و این یکی از امتیازات منحصر به فرد نبی اکرم است.

هفتمین مقام: تنها پیامبری است که وصف او در کتاب قران رحمه للعالمین توصیف شده است.

هشتمین مقام: ان ذات اقدس هیچ مخلوقی بهتر از حضرت محمد (ص) نیافریده است

نهمین مقام: درخشندگی چهره حضرت محمد (ص) از درخشندگی نوران ذات اقدس است. و برای بقیه انبیا چنین توصیفی نیست.

دهمین مقام: قبل از خلق کائنات نور محمد و علی آفریده شده بود در صورتیکه بقیه انبیا از سرشت او آفریده شده‌اند.

سُبْحَانَ رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ وَسَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ

رَبِّ الْعَالَمِينَ

۲. مقامات تطبیقی حضرت عیسی با مقامات حضرت نبی اکرم (ص) از دیدگاه اهل بیت (ع).

بنا به روایتی حضرت عیسی شش ماه در شکم مادرش بوده در صورتیکه حضرت محمد (ص) نه ماه در شکم مادرش بوده است.

۱. تولد حضرت عیسی در بیرون از خانه و در زیر درخت خرما بوده در صورتیکه حضرت آمنه بنت وهب حضرت نبی اکرم (ص) را در خانه ابی طالب بدنیا آورد.
۲. حضرت عیسی منظور نجات مادر غم زده اتهام لب به لب به سخن گشود در صورتیکه با تولد حضرت نبی اکرم (ص)
۳. حضرت آمنه به اتفاق خانواده‌اش خوشحال و برای تولد او لحظه شماری می‌کردند.
۴. حضرت عیسی مسیح در فلسطین و محل وجود پیامبران بنی اسرائیل بدنیا آمد و مردم تابع آیین بنی اسرائیل بودند در صورتیکه حضرت محمد در حجاز متولد شد و مردم آن دیار بت پرست و مشرک بودند.
۵. حضرت عیسی فقط برای زمان خود رحمت خدا محسوب می‌شد ولی حضرت محمد رحمه للعالمین برای تمام حیات بشریت است.
۶. حضرت عیسی دارای اخلاقی پسندیده بود ولی قرآن در توصیف اخلاق حضرت نبی اکرم فرموده: "آنک لعلی خلق عظیم" گفته‌اند.
۷. حضرت عیسی در طول حیات خود تشکیل دولت نداد ولی حضرت نبی اکرم (ص) دارای دولتی مقتدر و نیرومندی بود.
۸. حضرت عیسی در طول حیات خود هیچ زنی را بعنوان همسری انتخاب نکرد ولی حضرت نبی اکرم (ص) در سن بیست و پنج سالگی با حضرت خدیجه ازدواج کرد.
۹. حضرت عیسی در طول حیات خود مورد توجه خدا بوده و وحی بر وی نازل می‌شد و کاتبان وحی بنا به سلیقه خود آنرا می‌نوشتند ولی حضرت نبی اکرم (ص) در هنگام نزول وحی به کاتبان دستور نوشتن عین کلمات و جملات نازل شده را می‌داد و کلمات از طرف جبرئیل کنترل می‌گردید.
۱۰. حضرت عیسی با مردم بصورت مدارا رفتار می‌کرد و فقط مردم را جذب می‌کرد در صورتیکه حضرت محمد (ص) با توجه به مضمون آیه شریفه اشداء علی الکفار رحماء بینهم دارای اخلاق پسندیده جذب و دفع افراد بوده است.
۱۱. در هنگام تولد عیسی قوم مادرش جهت نکوهش و سرزنش حضرت مریم به محل و مکان حضرت مریم هجوم کردند در صورتیکه با تولد حضرت نبی اکرم (ص) اقوام پدری و مادری حضرت محمد (ص) به حضرت آمنه شاد باش گفتند.
۱۲. تولد حضرت محمد مصطفی (ص) از نور چهره خاص خدا بوده است اما تولد حضرت عیسی مثل خلقت حضرت آدم است و نبی الله آدم از انواع گلها و بخشی از روح خداست که توسط ملک به مادرش دمیده شد.
۱۳. در هنگام تولد حضرت محمد چهارده کنگره از کاخ ظلم کسری شکسته شد و آتشکده فارس خاموش شد و این علامت نجات امتهما از ستم پادشاهان است در صورتیکه در زمان تولد حضرت عیسی اتفاق خاصی گزارش نشده است.

نتیجه گیری

۱. برتری قرآن

کتاب آسمانی رسول اکرم (ص) کتاب قرآن است که مشتمل بر سی جزء و حاوی یکصد و چهارده سوره و شش هزار و ششصد و شصت و شش آیه شریفه می باشد که برخی از دانشمندان تعداد آیات را ۶۶۴۲ و برخی دیگر تعداد آیات را مقداری کمتر یا بیشتر از این ارقام می‌دانند که در جای خود قابل بحث می‌باشد.

مقام و شخصیت معنوی هر پیامبر در کتاب آسمانی او تجلی می‌کند. مثلاً مقام موسی کلیم الله (ع) در حد تورات و مقام عیسی مسیح (ع) در حد انجیل جلوه گر شده است.

انبیای پیشین نیز در حد کتب و صحف آسمانی خود ظهور کرده‌اند. اگرچه همه آنچه انبیای گذشته آورده‌اند و کتاب‌های آسمانی آنان حق است، ولی بر اساس آیات قرآن همه کتاب‌های انبیای گذشته، زیر سیطره و نفوذ قرآن کریم حفظ می‌شود. چنانچه خدای تبارک و تعالی به فرستاده خود می‌فرماید:

“وَ أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ الْكِتَابِ وَمُهَيْمِنًا عَلَيْهِ”؛

عبدالامیر سخراوی، فرج بهزاد و کیل آباد بررسی تطبیقی مقامات حضرت محمد (ص) با مقامات حضرت عیسی (ع) از دیدگاه قرآن و حدیث

این قرآن را به حق بر تو نازل کردیم در حالی که کتاب‌های پیشین در برابر آن قرار دارند و محتوی الهیان‌ها را بدون در نظر گرفتن اقدام خصمانه دشمنان ادیان الهی تصدیق می‌کند و از باب نظارتی شاهد و نگاهبان آن‌ها است و احکام الهی صادر شده در آن‌ها جهت رفاه و اسایش انسان‌هاست و هرکدام از آنها، بر کتب قبلی دارای سیطره علمی و هیمنه ابزار معیشتی و اخبار گذشتگان و آیندگان کامل‌تری می‌باشند.

لذا کتاب قرآن مهیمن است یعنی سیطره و نفوذ علمی، بر بقیه کتب الهی پیشین دارد و نفوذ و بزرگی قرآن مادی نیست؛ چون انبیاء الهی هیمنه مادی ندارند بنا بر این، سیطره قرآن همان سیطره علمی است که در هنگام مقایسه و تقابل با آن کتاب‌ها قابل درک و فهم خواهد بود.

منظور از سیطره علمی قرآن این است که نمی‌گذارد کتب پیشین دست خوش نا اهلان و مزدوران حکام و پادشاهان جور گردد و یا به واسطه افراد مغرض از دست بروند، و در حقیقت در تقابل با کتب بعدی تحریف درون آن‌ها را تصحیح می‌کند، به طوری که موارد تحریف شده کتب اسمانی پیشین را پس از عرضه بر قرآن کریم به خوبی می‌توان تشخیص داد و اصلاح نمود و عاشقان حقیقت و طالبان رضای الهی به سرعت نسبت به وقوع انحرافات و دستبرد درون احکام الهی و قوانین معیشتی اعم از مسائل خانوادگی، اجتماعی، سیاسی و نظامی و... آگاه خواهند شد.

وقتی سیطره و فضیلت قرآن بر همه کتاب‌های انبیای سلف ثابت شود، سیطره و فضیلت حضرت نبی اکرم (ص) نیز بر دیگر انبیاء الهی ثابت می‌شود؛ زیرا پیامبر در حد قرآن است و قرآن، مهیمن است، پس پیغمبر اسلام مهیمن بر سایر انبیاء الهی است. البته بیان برتری قرآن بر سایر کتاب‌های پیشین نه چندان سخت بنظر می‌رسد و نه چندان سهل و آسان، زیرا دشمنان ادیان الهی از تمام ابزارها جهت انحراف اذهان خلق استفاده می‌کنند ولی بر اساس گفتار حضرت خاتم الانبیاء می‌فرماید:

“فُضِّلَ الْقُرْآنُ عَلَى سَائِرِ الْكَلَامِ كَفَضَّلَ اللَّهُ عَلَى خَلْقِهِ”؛

برتری قرآن نسبت به دیگر سخنان، مانند برتری خداوند - جلّ جلاله - بر خلق او است.

بنا بر این کلام پروردگار عالم در برابر کلام مخلوق به تشابه روشنایی روز به تاریکی شب است زیرا خداوند نور زمین و آسمانهاست و همه اشیاء بر اثر نور و بصیرت الهی قابل روئیت هستند و در حقیقت بصیرت فرد سبب قدرت دیدن اشیاء را میدهد هرچند که روشنایی روز در یک اتاق تاریک حاکم باشد.

همانطوریکه قرآن دارای آیات محکم و متشابه است و بر اساس آیه هفتم سوره مبارکه آل عمران اهل خرد و ربانیون و خالق یکتا توانایی تفسیر و تأویل این کتاب الهی را دارند بنا بر این افرادی که این اوصاف را دارند تفسیر و تأویل کتاب الهی زینده آن‌ها خواهد بود در غیر اینصورت محکوم به متابعت از پاک فطرتان و معصومان و خردمندان عالم هستند.

۲. حضرت نبی اکرم و خاتمیت

یکی از شاخصه‌های برتری پیامبر اکرم (ص)، بر انبیای دیگر، ویژگی خاتمیت آن حضرت است.

خدای سبحان در مورد خاتمیت رسول اکرم (ص) می‌فرماید:

“مَا كَانَ مُحَمَّدٌ أَبَا أَحَدٍ مِّن رِّجَالِكُمْ وَلَكِن رَّسُولَ اللَّهِ وَخَاتَمَ النَّبِيِّينَ”

محمد پدر هیچ‌یک از مردان شما نیست؛ اما فرستاده خدا و خاتم پیامبران است.

“خاتم” یعنی مهر که در پایان نوشته‌ها و نامه‌ها قرار می‌گیرد. نویسنده پس از آن که آنچه را لازم بود، نوشت و تمام مقاصد خود را بیان کرد، پایان نوشته خود را مهر ختام کرده، و ختم آن را اعلام می‌کند.

انبیاء الهی آورنده کتاب و کلام حق هستند، و همواره نبی بعدی را معرفی کرده‌اند چنان‌که قرآن به پیروان حضرت موسی کلیم الله به حضرت مریم مادر عیسی اشاره کرده است و در خصوص حضرت عیسی (ع) به آن صدیقه طاهره گفته است گفته است:

“يَسِّرُكَ بِكَلِمَةٍ مِنْهُ اسْمُهُ الْمَسِيحُ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ”؛

خداوند تو را به کلمه‌ای از خویش نوید می‌دهد که نامش مسیح، پسر مریم است.

خداوند که از طریق ارسال رسل و انزال کتب با انسان‌ها سخن می‌گوید، در مشیت خود پس از پایان کلمات و گفتارش، سلسله نبوت و صحیفه رسالت پیامبران را با فرستادن رسول گرامی اسلام مهر کرده است و در حقیقت درب پاکت مراسلات را بسته و انرا مهر و موم ساخته است.

شایان ذکر است مقصود از خاتمیت، تنها تأخر و خاتمیت زمانی نیست، بلکه خاتمیت رتبی در قوس صعود است. بنابراین، از آیه مذکور چنین استفاده می‌شود که پیامبر اکرم (ص) واجد همه مزایا، فضیلت‌ها و خصوصیات پیامبران گذشته است و تا روز قیامت احدی بهتر و

کامل تر از او نخواهد آمد؛ زیرا اگر کامل تر از او یافت می‌شود، حتماً او به مقام خاتمیت می‌رسید و قرآن بشارت او داده می‌شود و کتاب قرآن مختص به زمان خاصی اعلام می‌گردد.

در حالی که علوم قرآنی بر اثر گذشت زمان روز به روز پژوهش‌های خود را جواب می‌دهد و دانشمندان علوم متنوع از آن به عنوان یک کتاب مستمر درسی استفاده می‌کنند و علوم آن را پایان پذیر نمی‌دانند بلکه هر حرف از آن را یک باب درسی مشتمل بر هزاران ابواب بسته می‌دانند که می‌بایستی بدست بشر مفتوح گردند زیرا انسان خلیفه خدا بر روی زمین است و می‌بایستی باذن خدا به کنوز نهفته زمین و علوم ارضی و سماوی دسترسی نماید.

این امر تحقق نمی‌یابد مگر آنکه انسان از تمام ذرائع و خباثت خود را پاک و منزه و مطیع اوامر مولا گرداند.

۳. بشارت‌های انبیای گذشته

یکی دیگر از شاخصه‌های برتری پیامبر اسلام (ص) تمام انبیاء بشارت به آمدن ایشان را داده‌اند؛ در قرآن کریم از زبان حضرت عیسی (ع) آمده است:

“وَمُبَشِّرًا بِرَسُولٍ يَأْتِي مِنْ بَعْدِي اسْمُهُ أَحْمَدُ”

و نوید دهنده به پیامبری هستم که پس از من خواهد آمد و نام او احمد است.

بشارت در موردی است که پیامبر بعدی، مطلبی نو و تازه برای امتش بیاورد. بشارت را می‌توان بازگویی خبری که سرور و شادی در بردارد، معنا کرد. بدیهی است که تنها در صورتی شنونده از شنیدن خبری مسرور می‌شود که به حقیقت یا واقعیت تازه‌ای که فاقد آن بوده یا مثل و مانند نداشته، دست پیدا کند. اگر پیامبر خاتم در سطح انبیای گذشته یا در سطح رسالت عیسی مسیح سخن گفته باشد، نخست این که دیگر نیازی به آمدن پیامبری تازه نبود، دوم این که مجالی برای بشارت نبود.

سخن حضرت مسیح (ع) که من کتاب آسمانی پیامبر گذشته را تصدیق می‌کنم و آمدن پیامبری را در آینده بشارت می‌دهم، نشان می‌دهد که رسول اکرم (ص) از حضرت عیسی (ع) افضل و قرآن کریم از انجیل بالاتر و ره‌آورد پیامبر اسلام، بیش از ره‌آورد مسیح (ع) است؛ زیرا تنها در این صورت معنای بشارت تحقق می‌یابد.

بر پایه بعضی از اخبار، پیغمبران الهی همواره به آمدن حضرت محمد (ص) مژده می‌دادند. امام باقر (ع) فرمود:

“پیغمبران همواره به آمدن محمد (ص) مژده می‌دادند، تا آن که خداوند حضرت مسیح، عیسی بن مریم (ع) را مبعوث کرد. او به رسالت حضرت محمد (ص) بشارت داد.”

تمامی پیامبران الهی به آمدن رسول خدا (ص) بشارت داده‌اند، مشخص می‌شود که آن حضرت دارای ویژگی یا ویژگی‌های منحصر به فردی بوده که دیگران فاقد آن بوده‌اند. بنابراین ایشان از تمامی انبیا و رسولان پیشین برترند.

۴. پیامبر مورد تکریم دائمی خدا و ملائکه

یکی دیگر از امتیازات پیامبر اکرم (ص) این است که خداوند در آیاتی از قرآن علاقه خاص خود و فرشتگان را نسبت به پیامبر (ص) بیان می‌کند و می‌فرماید: “إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا” خداوند و فرشتگانش بر پیامبر رحمت و درود می‌فرستند ای کسانی که ایمان آورده‌اید بر او درود بفرستید و سلام بگوئید و در برابر فرمان او تسلیم باشید.

مقام پیامبر (ص) آن قدر والا است که آفریدگار عالم هستی و تمام فرشتگانی که تدبیر این جهان به فرمان حق بر عهده آنها گذارده شده است بر او درود می‌فرستند، بر مؤمنان نیز لازم است با این پیام جهان هستی هماهنگ شوند.

به این نکته باید توجه کرد که تعبیر به “یصلون” به صورت فعل مضارع دلیل بر استمرار است؛ یعنی پیوسته خداوند و فرشتگان رحمت و درود بر او می‌فرستند، رحمت و درودی پیوسته و جاودانی.

در این جا گوشه‌ای دیگر از حدیث امام علی (ع) را که مناسب است نقل می‌کنیم:

عالم یهودی گفت: خداوند ملائکه را به سجده آدم واداشت، آیا محمد (ص) یک چنین فضیلتی را دارد؟!

امام (ع) فرمود: همین گونه است، ولی این را بدان اگر خداوند ملائکه خود را به سجده آدم واداشت، این سجده؛ این سجده طاعت نبود که ملائکه آدم را عبادت کنند، بلکه این سجده نوعی اعتراف به فضیلت آدم، و رحمتی از ناحیه خداوند بود. ولی به محمد (ص) برتر از آن عطا شده، خداوند در جبروت خود همراه تمامی فرشتگان بر او درود فرستاد، و همه مؤمنان را موظف به صلوات فرستادن بر او نمود، و این فضیلتی افزون بر فضیلت آدم (ع) است.

۵. خلقت حضرت محمد از درخشندگی نور خدا

عبدالامیر سخراوی، فرج بهزاد و کیل آباد بررسی تطبیقی مقامات حضرت محمد (ص) با مقامات حضرت عیسی (ع) از دیدگاه قرآن و حدیث

خاتم الرسل فرموده است: خداوند متعال مرا از درخشندگی نور خودش آفرید.
همچنین امام صادق علیه السلام فرمود: خداوند متعال خطاب به رسول اکرم (ص) فرمود: (ای محمد! قبل از این که آسمان‌ها، زمین، عرش و دریا را خلق کنم. نور تو و علی را آفریدم...).

۶. عظمت نام محمد (ص)

جلوه نام محمد (ص) برای امام صادق (علیه السلام) به گونه‌ای بود که هر گاه نام مبارک حضرت محمد (ص) به میان می‌آمد، عظمت و کمال رسول خدا (ص) چنان در وی تأثیر می‌گذاشت، که رنگ چهره‌اش گاهی سبز و گاهی زرد می‌شد به طوری که آن حضرت در آن حال، برای دوستان نیز نا آشنا می‌نمود.
در اخبار احوال امام صادق نقل است حضرت امام صادق علیه السلام گاهی اوقات که نام حضرت رسول اکرم را می‌شنید بلا فاصله می‌فرمود: جانم به فدایش.

منابع و مؤاخذ

- جوادی آملی، عبدالله، سیره رسول اکرم (ص) در قرآن، ج ۸، ص ۲۱، قم، اسراء، چاپ سوم، ۱۳۸۲
طباطبایی، محمد حسین، تفسیر المیزان، ترجمه موسوی همدانی، سید محمد باقر، چاپ، ۱۳۷۴
طبرسی، احمد بن علی، الإحتجاج علی أهل اللجاج، مشهد، نشر مرتضی، چاپ اول، ۱۴۰۳ ق.
قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر نور الثقلین
کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تهران، دار الکتب الاسلامیه چاپ چهارم، ۱۴۰۷ ق
مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، بیروت، دار إحياء التراث العربی، چاپ دوم، ۱۴۰۳ ق.
مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران، دار الکتب الإسلامیة، چاپ اول، ۱۳۷۴ ش